

تحلیل استعاره‌های شناختی در بیانات دفاعی مقام معظم رهبری

حدیث اقبال^۱

رویا فرزین راد^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۷

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶

چکیده

در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با فن تحلیل محتوا انجام شده است، برای این سؤال که استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبری معظم انقلاب چگونه هستند؟ این پاسخ مطرح شده است که با توجه به اصول و مبانی شناختی، انتظار داریم که در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب استعاره‌های شناختی متعددی به کار رفته باشند؛ همچنین با توجه به گفتمان ارزشی نظام جمهوری اسلامی، استعاره‌های ساختاری و وجودی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بیشتر به کار رفته است. کاربرد استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب، با هدف تأکید بر سویی‌های خاصی از معنی است؛ مبنای این استعاره‌ها در بسیاری از موارد، مفاهیم مرتبط با سنن و فرهنگ بومی و در چارچوب گفتمان نظام دفاعی اسلامی است. در این پژوهش انواع مختلفی از مفاهیم اسلامی و ترکیب‌های استعاری در بیانات دفاعی ایشان احصاء شده است؛ این مبانی استعاری در طراحی راهبردهای دفاعی بسیار حائز اهمیت است.

کلید واژه‌ها

استعاره‌های شناختی، بیانات دفاعی، مقام معظم رهبری.

مقدمه

طبق تعریف دانشنامهٔ بریتانیا «استعاره، آرایه‌ای است که مقایسه بین دو چیز مشابه را القا می‌کند»؛ این دیدگاه سنتی از نظر کوچش دارای ویژگی‌های زیر است: الف) استعاره صرفاً برای اهداف هنری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ب) استعاره مبتنی بر شباهت میان دو عنصر مقایسه شده است؛ ج) استعاره کاربرد آگاهانه و مناظرهٔ نظرهاست؛ د) استعاره صنعتی است که بدون آن هم کارمان راه می‌افتد؛ اما در دیدگاه جدید، استعاره، عامل شناخت و خلق واقعیت‌های جدید است؛ این نظریهٔ معاصر استعاره را نخستین بار لیکاف و جانسون در سال ۱۹۸۰، در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» مطرح کردند؛ آنان نگاه سنتی به استعاره را به دلایل زیر به چالش می‌کشند: الف) استعاره برای درک بهتر مفاهیم به کار گرفته می‌شود، نه صرفاً برای خلق زیبایی؛ ب) استعاره اساساً مبتنی بر شباهت نیست؛ ج) استعاره بدون هیچ تلاشی از سوی عوام در زندگی استفاده می‌شود و مختص افراد خاص (برای مثال ادبا) نیست؛ د) استعاره، فقط ابزار تزئینی نیست، بلکه فرایند اجتناب‌ناپذیر تفکر است (ترجمهٔ پورا ابراهیم، ۱۳۹۳: ۳۳).

ارائهٔ نظریهٔ استعاره مفهومی توسط لیکاف و جانسون، جایگاهی متفاوت از گذشته برای استعاره شکل داد؛ این نظریه نشان می‌دهد که استعاره صنعتی بلاغی و یا آرایهٔ خاص زبان ادبی نیست - و حتی مخصوص زبان نیست - بلکه امری ریشه‌دار در نظام اندیشه و ادراک انسان و بدین ترتیب، جاری و ساری در اعمال و کارکردهای زندگی روزمره اوست؛ علوم شناختی نیز مطالعه در باب ذهن و ادراک انسان است. استعاره نه تنها در درک مفاهیم انتزاعی و امور غیرحسی به انسان کمک می‌کند بلکه امکان اندیشیدن دربارهٔ آن‌ها را نیز فراهم می‌آورد. از دیدگاه لیکاف استعاره‌ها نه تنها نگاه کنونی ما به زندگی را شکل می‌دهند بلکه می‌توانند توقعات و انتظارات ما نسبت به زندگی آینده‌مان را نیز تعیین کنند. ما دربارهٔ اشیاء به شیوه‌ای که آن‌ها را تجسم می‌کنیم، سخن می‌گوییم و این امری کاملاً جدید و البته ریشه‌دار در تجربه و فرهنگ ماست و از این رو استعاره نه تنها موجب وضوح و گیرایی بیشتر اندیشه‌های ما می‌شود بلکه ساختار ادراکات و دریافتهای ما را نیز تشکیل می‌دهد (کالر، ۲۰۰۱: ۲۱۰).

قدیم‌ترین مطالعاتی که درباره استعاره انجام گرفته است مربوط به ارسطو است که اولین بار آن را تعریف کرد و درباره آن سخن گفت (صفوی، ۱۳۷۷: ۲۱۹). ارسطو استعاره را این‌طور تعریف کرده است: «استعاره انتقال اسم چیزی است به چیز دیگر ...» (هنله، ۱۹۷۲: ۱۷۳)؛ ارسطو همچنین اولین کسی است که گفته است استعاره تشبیه محذوف است (بیردسلی، ۱۹۶۷، گوتلی، ۱۹۹۷)، ارسطو همچنین معتقد بوده است که استفاده از استعاره و صنایع ادبی از نوع آن نیازمند داشتن استعداد و نبوغ خاصی است و هر کسی توان استفاده از آن‌ها را ندارد (ارسطو، ۱۳۳۷: ۱۵۹).

نظام مفهومی ذهن انسان که اندیشه و کردار آدمی بر آن استوار است در ذات خود ماهیت استعاری دارد؛ اما از آنجا که دسترسی مستقیم به آن در حالت عادی مقدور نیست، برای کشف ساختار این نظام می‌توان از بازنمود آن یعنی زبان بهره جست. در واقع زبان‌شناسان معتقدند زبان الگوهای اندیشه را منعکس می‌کند؛ بنابراین مطالعه زبان از این نگاه، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است. با مطالعه زبان می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آرای ذهن پی برد.

با توجه به کارکرد شناختی استعاره‌ها، ایده مطرح شده در این مقاله، استخراج و تبیین استعاره‌های دفاعی در گفتمان رهبر جمهوری اسلامی است. الگوی دفاع و جنگ از منظر این رهبر همانند الگوی نظام سازی جمهوری اسلامی ایران، نو و متمایز می‌باشد؛ طرح گفتمان نیز به‌منظور ارائه نظام‌مند استعاره‌ها در چارچوبی مشخص است که با استفاده از استخراج و تبیین استعاره‌ها به دست می‌آید. استخراج و تبیین استعاره‌ها از اسناد موجود مربوط به بیانات و مکتوبات دفاعی ایشان خواهد بود؛ بنابراین در این مقاله مسئله موجود، شناسایی استعاره‌های موجود در گفتمان دفاعی مقام معظم رهبری و تحلیل آن‌ها است که با بحثی نظری و مفهومی شروع شده و سپس با مراجعه به بیانات ایشان به واکاوی و استخراج استعاره‌ها و سپس تحلیل و نتیجه‌گیری از آن‌ها پرداخته می‌شود.

پرسش‌های تحقیق

با توجه به مبانی و اصول زبانشناسی شناختی، سؤالات این تحقیق به قرار زیر هستند:
الف. چه استعاره‌های شناختی‌ای در گفتمان دفاعی مقام معظم رهبری وجود دارد؟

ب. کدام نوع از استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر انقلاب بیشتر دیده می‌شوند؟
 ج. چه تبیینی می‌توان برای استعاره‌های شناختی به‌کاربرده‌شده در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب به دست داد؟
 در ارتباط با سؤالات بالا با در نظر گرفتن اینکه این مقاله یک پژوهش کیفی است و فرضیات از نوع تعریف عملیاتی متغیرها نیست، فرضیات اولیه به شرح زیر است:
 الف) با توجه به اصول و مبانی زبان‌شناسی شناختی، انتظار داریم که در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب نیز استعاره‌های شناختی متعددی به کار رفته باشند.
 ب) با توجه به گفتمان ارزشی نظام جمهوری اسلامی، انتظار می‌رود که استعاره‌های ساختاری و وجودی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بیشتر به کار رفته باشند.
 ج) با توجه به تفاوتی که میان معنای گزاره‌ای و کاربردشناختی در زبان وجود دارد، کاربرد استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب، با هدف تأکید بر سویه‌های خاصی از معنی است.

روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق که بررسی استعاره‌های دفاعی در گفتمان دفاعی رهبری است، روش تحقیق کیفی و از نوع توصیفی - تبیینی می‌باشد. فن تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق تحلیل محتواست. سطح تحلیل، خرد و واحد تحلیل جمله است.
 جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مکتوب و صوتی سخنرانی‌های مقام معظم رهبری از آغاز رهبری ایشان است. با توجه به آنکه گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌ها، بیانات و اظهارنظرهای مختلف ایشان نمود پیدا کرده‌اند، طبیعی است که ما در هرکدام از سخنرانی‌ها و بیانات و اظهارنظرهای ایشان که به موضوعات دفاعی پرداخته باشند، از آن‌ها استفاده خواهیم کرد؛ علاوه بر این با توجه به اهمیت پیام‌های نوروزی رهبر معظم انقلاب و همچنین بیاناتشان در حرم مطهر رضوی، این پیام‌ها و بیانات را نیز مبنای استخراج داده‌های این پژوهش قرار داده‌ایم.

چارچوب نظری

در زبان‌شناسی شناختی تلاش می‌شود به مکانیسم‌های ذهنی مبنایی مربوط به درک و تولید زبان در انسان پی برده شود و از نظر مارک جانسون (۱۹۹۲: ۳۴۶)، معنا با جسم و مغز انسان رابطه تنگاتنگی دارد و همچنین با تعاملاتی که او با محیط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی خود دارد که این متضمن این حرف است که ساختارهای صورتی^۱ زبان انسان، از یک طرف انعکاسی از فرایندهای ذهنی پردازش آن است و از طرف دیگر مبتنی بر تجربیات و اثرات محیطی مربوط به زندگی او در جهان اطرافش. در عین حال به عقیده جانسون زبان و معنای آن دارای یک بعد تخیلی^۲ نیز است؛ چراکه زبان انسان بر طرح‌واره‌ها^۳، استعاره‌ها، نمونه‌های شاخص شناختی^۴ و دیگر انواع ساخت‌های مبتنی بر تخیل نیز استوار است (جانسون، ۱۹۹۲: ۳۴۶).

زبان‌شناسی شناختی به دلیل مبنای شناختی که برای زبان انسان قائل می‌شوند، معنای مبتنی بر مکانیسم‌های ذهنی - تجربی نقش محوری را دارد. علت جایگاه محوری و حتی بنیادین استعاره در شناخت انسان، به‌طورکلی کارکردی است که در تسهیل جریان و سازوکار شناختی او دارد. (دبیرمقدم، ۱۳۸۳) اهمیت استعاره و چگونگی عملکرد آن، به عقیده محققانی از قبیل لانگاکر با توانایی ذهن انسان و توانمندی شناختی او برای مقوله‌سازی مرتبط است (لانگاکر، ۱۹۹۴: ۵۹۱). اگر بخواهیم موضوع مقوله‌سازی را در ارتباط با تمثیل انبار توضیح دهیم، باید بگوییم که ذهن به جای آنکه به مثابه انباری باشد که هر چیزی که وارد آن شود، به صورت فله‌ای در آن ریخته می‌شود، یا بدون حساب و کتاب در گوشه‌ای گذاشته می‌شود تا زمانی دوباره از آنجا خارج شود یا به گوشه دیگری از انبار منتقل شود؛ به مانند انباری است که دارای انباردار هوشمند و چالاک است که هرچه وارد انبار می‌شود را با توجه به جنس آن یا معیارهای مختلف دیگر در کنار اجناسی قرار می‌دهد که نوعی شباهت یا همانندی با هم دارند؛ بر این اساس می‌توان گفت، اتفاقی که در اینجا افتاده است این است که انسان با توجه به

-
1. Formal structures
 2. Imaginative
 3. Schemas
 4. Cognitive prototypes

اطلاعات موجود در ذهن خود و مقوله‌بندی‌هایی که بر آن‌ها حاکم کرده است، پدیده یا چیز جدیدی را درک کرده است یا به درک آن نزدیک شده است، یا آن را برای دیگران قابل درک کرده یا آن‌ها را به درک آن نزدیک کرده است.

استعاره‌های مفهومی

استعاره‌های مفهومی در لایه ذهن مورد بررسی قرار می‌گیرند و همگی بازنمود زبانی نمی‌یابند بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و نمادها حضور دارند؛ چراکه نظام مفهومی ذهن تا حدود قابل‌توجهی استعاری است (کاوکس، ۲۰۱۰: ۶۳). استعاره‌ها به عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشهٔ مختلف در ذهن عمل می‌کنند؛ با این حال زبان‌شناسان به دنبال کشف نحوهٔ عملکرد استعاره‌ها در ذهن از طریق بازنمودهای زبانی آن می‌باشند؛ آن‌ها الگوهای موجود در ساختار مفهومی واژه‌ها و عبارات استعاری را به عنوان شهادی جهت وجود استعاره‌های نهفته در ذهن می‌دانند. استین (۱۹۹۴)، استعاره‌های نهفته در ذهن را استعاره‌های مفهومی و نمود زبانی آن را استعاره‌های زبانی می‌نامد؛ به این ترتیب استعاره‌های زبانی بازنمود استعاره‌های ذهنی هستند (دیگنان، ۲۰۰۵: ۱۴).

منظور از استعاره، فرایندهای زبانی است که در آن ویژگی‌های یک شیء به شیء دیگر نسبت داده می‌شود؛ به نحوی که چون از شیء دوم سخن می‌رود، گویی با شیء نخست برابر است (هاوکس، ترجمهٔ طاهری، ۱۳۷۷: ۱۱)؛ استعاره همچنین بیان تجربه‌هایی را ممکن می‌سازد که در ظرف زبان و دلالت‌های عادی نمی‌گنجد. استعاره به کمک فرایندهای تخیلی اشکالی از ادراک را وارد زبان می‌کند و همراه خود اشکال زبانی تازه‌ای نیز می‌سازد (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۱: ۳۴۲). استعاره‌ها با تکیه بر ساختار واژگان و دانش قبلی شکل می‌گیرند. بیشترین طبقه‌بندی و استنباط انسان بر اساس استعاره‌هاست و بسیاری از مفاهیم، به‌ویژه مفاهیم انتزاعی، از طریق انطباق استعاری اطلاعات و انتقال دانسته‌ها از زمینه‌ای به زمینهٔ دیگر نظم می‌یابد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲).

لیکاف و جانسون استعاره را ابزار مناسبی برای تشخیص چگونگی اندیشیدن و رفتارهای زبانی می‌دانند که دارای مختصاتی کاملاً نظام‌مند است. نظام تصویری ذهن بر پایهٔ مجموعه‌ای

از مفاهیم شکل گرفته است که از تجربه خود او ناشی می‌شوند. حوزه‌های مفهومی ذهنی که منشأ افکار و اعمال به شمار می‌آیند، به لحاظ ذات خود استعاری هستند؛ این نظام مفهوم در تبیین واقعیات زندگی دارای نقشی کلیدی است و از آنجا که این نظام، ساختار استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز امری استعاری به شمار می‌آید (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۸)؛ این دیدگاه جدید همراه با نوعی الگوبرداری «مبدأ به مقصد» است. آن حوزه مفهومی عینی‌تر که ما از آن عبارت استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگر را درک کنیم حوزه مبدأ^۱ و حوزه مفهومی ذهنی‌تر را که با این روش درک می‌شود را حوزه مقصد^۲ می‌نامیم. دانستن استعاره مفهومی عبارت است از درک مجموعه تناظرهایی که بین یک جفت مبدأ - مقصد مشخص برقرار است؛ استعاره‌هایی که با این الگوبرداری ساخته می‌شوند، از طریق ساخت‌های مفهومی بنیادین به نام طرح‌واره‌های تصویری^۳ به وجود می‌آیند؛ به عبارت دیگر استعاره‌های تصویری می‌توانند هم از دانش زمینه‌ای فرد و هم از انواع مختلف تصویر (نه صرفاً تصویرهای بصری) استفاده کنند (نامور و امیری، ۱۳۹۶: ۳۶).

همان‌طور که اشاره کردیم کسانی که در حوزه زبانشناسی شناختی به مطالعه استعاره پرداخته‌اند، به ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن هم توجه کرده‌اند تا آنجا که جورج لیکاف و مارک جانسون در کتاب فوق‌الذکر اصولاً استعاره را به مثابه موضوع و امری فرهنگی مطالعه می‌کنند؛ به عبارت دیگر، از نظر آن‌ها محیط‌های فرهنگی مختلف باعث شکل‌گیری استعاره‌های مختلفی در بین ملل و اقوام مختلف دنیا می‌شود. توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی و نقشی که این دو در شکل دادن به نظام مفهومی و استعاری ذهن و زبان انسان دارند، در همه پژوهش‌های مربوط به استعاره از اهمیت برخوردار است، از جمله پژوهش حاضر، چون نشان می‌دهد که ذهن فرد تولیدکننده استعاره چقدر با شرایط زیستی - فرهنگی محیط زندگی خود عجین و آشنا است و همچنین چقدر نظام مفهومی و شناختی او بر اساس ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای شکل گرفته است که در آن به سر می‌برد.

-
1. Source Domain
 2. Target Domain
 3. Image Schemas

بر اساس آنچه تا بدین جا درباره استعاره گفتیم و شناخت و معرفی بنیان‌های آن در نظام ذهنی و شناختی ما از یک طرف و نظام مفهومی - معنایی زبان ما از طرف دیگر، در زبان‌شناسی شناختی استعاره به انواعی تقسیم شده است که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

- استعاره‌های ساختاری^۱: همان‌طور که اشاره کردیم، نظام شناختی و مفهومی ذهن ما دارای شبکه‌ای از پیوندهای نظام‌مند و پیچیده است؛ این ارتباطات نظام‌مند و پیچیده به شکل‌گیری استعاره‌های ساختاری در زبان ما انجامیده است و باعث شده است که بتوانیم داده‌هایی را با توجه به داده‌ها و مفاهیم دیگری که در ذهن داریم شناسایی کنیم؛ یا به ابعاد خاصی از آن‌ها اشاره کنیم و در نتیجه هم خود امکان شناخت آن داده‌ها یا ابعاد مشخصی از آن‌ها را بیابیم و هم بتوانیم از طریق زبان آن‌ها را به دیگران معرفی کنیم؛ یا ابعاد مورد نظر را به آن‌ها بشناسانیم.

نکته مهمی که در اینجا باید درباره استعاره‌های ساختاری به آن اشاره کنیم این است که وقتی ما چیزی را بر اساس چیز دیگری که برای ما شناخته شده و آشنا تر است درک کردیم، شبکه مفهومی حوزه مبدأ که حرکت ما از آنجا شروع شده است بر حوزه مقصد فرو می‌آید و ما ویژگی‌ها و سویه‌های مختلف حوزه مقصد را با توجه به حوزه مبدأ درک می‌کنیم؛ برای مثال ما خیلی وقت‌ها می‌شنویم که افراد در گفتگو با همدیگر می‌گویند «زندگی یک جنگ واقعی است» که در آن ما شاهد کاربرد استعاری زبان هستیم؛ در این استعاره «زندگی» با توجه به «جنگ» مورد گفتگو قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر این جمله را گویشور زبان با این هدف به کار برده است که به سختی‌ها و دشواری‌های زندگی - دست‌کم در شرایط کنونی که ممکن است عوامل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی معیشت افراد را دشوار کرده باشد - اشاره کند و از آنجا که مفهوم «جنگ» برای مخاطب گویشور مورد نظر، مفهومی آشنا است و او آن را در نظام شناختی و مفهومی ذهن خود دارد، از آن استفاده کرده است تا ویژگی‌های «زندگی» امروزی یا دست‌کم آن نوعی از زندگی که مدنظر او است، برای مخاطبش قابل فهم شود.

همان‌طور که اشاره شد در این نوع از استعاره‌ها، شبکه مفاهیم مربوط به حوزه مبدأ به حوزه مقصد منتقل می‌شود؛ بنابراین در مورد استعاره اخیر نیز ممکن است ما بشنویم که هر

1. Structural metaphors

یک از دو طرف گفتگو، بگویند «خیلی شرایط سخت شده، حواست نباشه می‌زننت»، یا «زنی می‌زننت»، یا «حواست باشه که موقعیت رو از دست ندی»، یا «خوب حواست باشه، یک قدم عقب‌نشینی کنی، همه چی روت آوار می‌شه»، یا «الآن موقعیت حساسه، باید چارچشمی حواست به اطرافت باشه»، یا «نترس و محکم از موضعت دفاع کن» و

- استعاره‌های جهتی^۱: به اهمیت مفاهیمی همچون «بالا» و «پایین» در نظام استعاری زبان و در واقع در نظام شناختی - مفهومی ذهن انسان در بالا اشاره کردیم که مرتبط با تجربه‌هایی هستند که او در ارتباط با جهان اطرافش دارد. استعاره‌هایی که با توجه به مفاهیم فضایی از این دست شکل می‌گیرند، در زبان‌شناسی شناختی «استعاره‌های جهتی» گفته می‌شود و لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) به تفصیل درباره آن‌ها و اهمیت و مبنای شناختی - مفهومی‌شان در زبان انسان سخن گفته‌اند.

این نوع استعاره‌ها رفته‌رفته در طول زمان شکل گرفته‌اند و به نظر می‌رسد که بسیاری از آن‌ها خصلتی جهانی دارند چون اساساً ماهیتی عینی دارند؛ از همین رو است که به‌نظر می‌رسد در تمامی زبان‌های دنیا مفهوم «زیاد» را با «بالا» و «کم» را با «پایین» نشان می‌دهند؛ همچنین در زبان‌های مختلف دنیا «جمع‌شدن» به‌نوعی با مفهوم «ناراحت‌شدن» در ارتباط است و «باز شدن» به‌نحوی با مفهوم «خوشحال شدن». به همین دلیل ما در زبانی چون فارسی جملات استعاری‌ای همچون «اخم‌اش تو همه» و «اخم‌اتو باز کن» را داریم که به ترتیب به‌معنای «او ناراحت است» و «ناراحت نباش» هستند؛ همچنین در زبان فارسی ما با جمله‌ای مثل «چهرت دیروز گرفته بود» در مقابل «رنگ و روت امروز بازتره» هستیم که در اینجا نیز می‌بینیم که مفاهیم «ناراحتی یا غم» در مقابل «خوشحالی یا شادی» به صورت استعاری و با استفاده از مفاهیم جهتی فوق‌الذکر بیان شده‌اند؛ از طرف دیگر همین مفاهیم «شادی» و «ناراحتی» در زبان فارسی در ارتباط با مفاهیم جهتی «بالا» و «پایین» نیز بیان می‌شوند؛ یعنی ما در این زبان با استعاره‌های جهتی‌ای همچون «روحیه تیم خیلی بالا رفت با تشویق تماشاگرها» و «این عوامل باعث افت روحیه تیم ملی در آستانه جام جهانی می‌شوند» هستیم که در اینجا می‌بینیم زیاد یا

1. Orientational metaphors

کم‌شدن «روحیه» که هم می‌تواند به شادی و ناراحتی «تیم» اشاره داشته باشد، هم به توان و قوت روحی آن‌ها، با توسل به مفاهیم جهتی بیان شده است.

نکته‌ای که درباره استعاره‌های جهتی باید در نظر داشته باشیم، این است که در زبان‌شناسی شناختی، این نوع از استعاره‌ها - همان‌طور که مثال‌های ارائه‌شده در بالا نشان می‌دهند - به صورت جفت هستند؛ یعنی مفهوم‌بندی آن‌ها در نظام شناختی ما مبتنی بر تقابلی بین دو مفهوم فضایی - فیزیکی است (بالا - پایین، جمع شدن، باز شدن، زیر - رو، ...). همچنین به این نکته هم درباره این نوع استعاره‌ها باید توجه داشته باشیم که به‌طور معمول در این جفت‌های جهتی، یکی بر مفهومی مثبت دلالت دارد و یکی بر مفهومی منفی یا ناخواستنی که در مثال‌های بالا هم‌چنین چیزی مشخص و قابل فهم بود (برای مثال سلامتی در ارتباط با جهت فضایی «بالا» بیان می‌شد و «مریضی» در ارتباط با مفهوم فضایی «پایین» و غیره).

- استعاره‌های وجودی: در زبان‌شناسی شناختی تجربه انسان در ارتباط با محیط اطرافش نقشی مبنایی در شکل‌گیری استعاره‌ها دارند؛ دسته‌ای از این استعاره‌ها بر این مبنا شکل می‌گیرند که ما به اموری همچون حوادث، کنش‌ها و فعالیت‌های اطرافمان که اصولاً و ماهیتاً غیرمادی و غیرملموس هستند، به مثابه امور مادی و قابل لمس و اندازه‌گیری می‌نگریم (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۵).

یکی از مثال‌های بارزی که لیکاف و جانسون برای این نوع استعاره‌ها در زبان انگلیسی ذکر کرده‌اند مربوط به «تورم» است که اتفاقاً به خاطر اهمیتی که این مسئله در چند دهه اخیر در زندگی مردم ایران داشته است، استعاره‌های وجودی مربوط به آن را در گفتار و نوشتار زبان فارسی نیز به فراوانی می‌توانیم ببینیم؛ برای مثال به موارد زیر توجه کنید که در روزنامه‌ها، اخبار و تحلیل‌های رسانه‌ای مشابه آن‌ها زیاد شنیده می‌شوند:

- تورم کمر اقتصاد خانواده‌ها را شکسته است.
- اگر حواسمان نباشد، تورم همه دستاوردهای اقتصاد کشور را نابود می‌کند.
- تورم خانواده‌های کم‌درآمد را روز به روز فقیرتر می‌کند.
- کارمندان دولت مجبورند برای جنگیدن با تورم، پولشان را به دلار یا سکه و طلا تبدیل کنند.

- ما باید در کنار مهار تورم، سیاست‌های ضد رکود هم داشته باشیم.

- رکود هم مثل تورم می‌تواند اقتصاد ما را فرسوده و نابود کند.

دقت در مثال‌های یاد شده نشان می‌دهد که در آن‌ها به تورم به مثابه وجودی نگریسته شده است که همچون یک صاحب وجود قدرتمند، می‌تواند «اقتصاد خانواده» را به شکست بکشاند؛ «دستاوردهای اقتصاد کشور» را نابود کند؛ «خانواده‌های کم‌درآمد» را فقیرتر کند؛ «کارمندان دولت را» مجبور کند که برای جنگیدن با آن اقداماتی انجام دهند؛ «ما» را مجبور کند که برای مهارش سیاست‌های خاصی را در حوزه اقتصاد در پیش بگیریم و ...؛ در واقع گویشور زبان فارسی - همانند گویشور زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر - برای آنکه بتواند درباره ابعاد مختلف اثرگذاری تورم سخن بگوید و آن را برای مخاطب خود قابل فهم نماید، از سازوکار استعاره بهره گرفته است و به آن به عنوان وجودی نگریسته است که همانند امور ملموس و آشنایی همچون جنگ و وجودی صاحب زور و نیرو، می‌تواند اقتصاد ما را نابود کند و از این‌رو همان‌طور که در جنگ و موقعیت‌های مشابه ما نیازمند در پیش گرفتن تدابیر مشخصی برای جنگیدن با دشمن و دفع او هستیم؛ در برابر تورم نیز باید چنین تدابیری را ببندیشیم.

همچنین با دقت در گفتار و نوشتار زبان فارسی، به‌خصوص گفتار و نوشتاری که تحت تأثیر ترجمه از زبان‌های بیگانه غربی بیشتر در رسانه‌ها به کار برده می‌شود، متوجه می‌شویم که در موارد زیادی به امور غیر قابل لمس و مشاهده و در واقع غیرمادی، به‌گونه‌ای نگریسته می‌شود که گویی این امور همانند ظرفی هستند که می‌توان وارد آن‌ها شد، یا از آن‌ها خارج شد؛ یا چیزی را وارد آن‌ها کرد، یا از آن‌ها چیزی را خارج کرد؛ این امر باعث شکل‌گیری فقره دیگری از استعاره‌های وجودی در زبان انسان شده است که به آن‌ها استعاره‌های ظرف گفته می‌شود (نگاه کنید به لیکاف و جانسون، ۱۳۸۰: ۳۰ - ۲۰).

استعاره‌های ظرف را در زبان‌های دیگر نیز می‌توان دید؛ اما در زبان فارسی در ارتباط با مسائلی همچون «تورم» و «رکود» که در بالا به آن‌ها اشاره کردیم، با جملات استعاری‌ای همچون «اقتصاد کشور وارد رکود» شده است و «چطور می‌توان از این رکود زیان‌بار خارج شد؟» و «ما از دوره رکود خارج شده‌ایم و وارد یک دوره تورم‌زای شدید شده‌ایم» مواجهه می‌شویم که در آن‌ها به «تورم» و «رکود» به عنوان محدوده‌هایی نگاه شده است که «ما» یا

«اقتصاد کشور» می‌تواند وارد آن‌ها شود، یا از آن‌ها خارج شود؛ چنین نگرشی امر تورم و رکود را برای ما دارای ابعاد و ثغور مشخصی می‌کند و آن را برای ما قابل شناخت می‌کند؛ و از این طریق ما می‌توانیم آن را بشناسیم و برای خارج شدن از آن تدابیر مقتضی را در دستور کار خود یا اقتصاد کشور قرار دهیم.

یکی دیگر از انواع استعاره‌هایی که در زیرمجموعه استعاره‌های وجودی قرار می‌گیرند، استعاره‌هایی هستند که به آن‌ها با عنوان «شخصیت‌بخشی»^۱ یا «تشخیص» اشاره می‌شود. «شخصیت‌بخشی» یکی از صنایع ادبی شناخته شده است؛ همان‌طور که از خود این اصطلاح برمی‌آید، در این نوع از استعاره‌های وجودی به امر یا وجودی فاقد مشخصه حیات، ویژگی یا انجام کاری نسبت داده می‌شود که فقط از یک موجود ذی‌حیات یا به عبارت دیگر زنده برمی‌آید؛ در مواردی هم ویژگی یا کاری که فقط از انسان به عنوان موجودی صاحب شعور و خرد برمی‌آید، به موجودات زنده دیگر نسبت داده می‌شود؛ برای مثال ما در زبان فارسی ممکن است به جمله‌ای همچون «سنگ هم بود تا حالا این حرف رو فهمیده بود» مواجه شویم که امر «فهمیدن» که اصولاً از ویژگی‌های موجود ذی‌حیات و ذی‌شعوری همچون انسان است، به «سنگ» نسبت داده شده است که اصولاً نه تنها فاقد شعور است بلکه از حیات نیز بی‌بهره است و در دسته جانداران جای نمی‌گیرد.

استعاره‌هایی که در بالا معرفی شدند و برای آن‌ها مثال‌هایی ارائه شد، استعاره‌های اصلی مورد بحث در زبانشناسی شناختی هستند؛ این استعاره‌ها در زبان‌های مختلف بررسی، تحلیل و کاویده شده‌اند و تحقیقاتی که درباره آن‌ها انجام شده است، نشان می‌دهد که استعاره در همه زبان‌ها کاربردی فراگیر دارد؛ همچنین با توجه به نقشی که این استعاره‌ها در انتقال معنای کاربردشناختی^۲ زبان بر عهده دارند، کاربردشان در گفتمان‌های مختلف، از جمله گفتمان‌های سیاسی بررسی شده است؛ این بررسی‌ها نتایج بسیار قابل توجهی در پی داشته‌اند و از آن جمله اهمیت کاربرد استعاره در انتقال جنبه‌های خاصی از معنا را بیش از پیش به ما خاطر نشان می‌کنند. انواع استعاره‌های شناختی همچنین علاوه بر متون مهم زبان‌های مختلف، در متون

-
1. Personification
 2. Pragmatic meaning

دینی‌ای همچون قرآن کریم بررسی شده است که همین باعث گشوده شدن پنجره‌های جدیدی به فهم ابعاد معنایی مختلف این متون مقدس شده است.

تحلیل داده‌ها

در ادامه این تحقیق بر اساس آنچه در این فصل درباره استعاره در زبان‌شناسی شناختی گفته شد، استعاره را در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بررسی خواهیم کرد؛ داده‌های این تحقیق که از بیانات و پیام‌های مقام معظم رهبری استخراج شده‌اند و برای اطمینان از نبود هرگونه تغییر یا دخل و تصرفی در فرمایش‌های مقام معظم رهبری، همه داده‌ها از سایت Khamenei.ir برگرفته شده‌اند؛ ذکر این نکته هم ضروری است که این نوع استعاره‌ها در کلام رهبر معظم انقلاب زیاد به کار برده شده‌اند و آنچه که در اینجا تحلیل شده است، فقط نمونه‌هایی از استعاره‌های مورد نظر این تحقیق هستند. در ادامه در هر مورد ابتدا بخشی از فرمایش‌های مقام معظم رهبری که استعاره یا استعاره‌هایی در ارتباط با گفتمان دفاعی ایشان در آن به کار رفته است، آورده می‌شود و سپس به تحلیل داده مورد نظر پرداخته می‌شود.

متن شماره ۱

... این طرح کلانی که الان آقای درباردار سیاری بیان کردند، خوب، بلندپروازانه است؛ لیکن من داشتن چنین نظرها و ایده‌هایی را صد درصد تأیید می‌کنم. به دنبال این باشید که بتوانید حضور مقتدرانه و شجاعانه خودتان را برای دفاع از عزت کشور و ملتتان به همه نشان دهید؛ البته این مقدماتی دارد و کارهای لازمی را باید انجام داد. وقتی انسان نگاه می‌کند، با توجه به بعضی از واقعیت‌های موجود، ممکن است بعضی از این خواسته‌ها دور از دسترس به نظر بیاید؛ لیکن من می‌گویم وارد راه می‌شویم، قدم‌ها را یکی پس از دیگری برمی‌داریم و هرچه جلوتر برویم، رسیدن به نتیجه برایمان آسان‌تر خواهد شد.

«... اینکه شما می‌بینید مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب به جان جمهوری اسلامی می‌افتند - البته تا حدی که می‌توانند - علتش همین است: عادت کرده‌اند از این سفره بی‌صاحب هرچه می‌خواهند و می‌توانند، بردارند و بهره‌برداری کنند؛ حالا که می‌بینند

نه ملت که صاحب اصلی این سرزمین است، بیدار شده، نمی‌گذارد، دست رد به سینه‌هایشان می‌زند؛ طبیعی است خشمگین می‌شوند؛ مسئله توطئه‌ها این است. گناه جمهوری اسلامی و گناه ملتی که به این جمهوری و به این اسلام دل سپرده و در راه او حرکت کرده، فقط همین است که می‌خواهد زیر بار زور و سلطه و توهین دیگران به شخصیت خودش نرود؛ البته این هم یک آزمایش است برای تاریخ تا تاریخ و نسل‌های آینده بدانند که اگر یک ملتی با احساس هویت، با اعتقاد به قدرت ذاتی خودش، نیروهایش را به صحنه آورد؛ چه نیروی علمی‌اش را، چه نیروی صنعتی‌اش را، چه نیروی تجربی‌اش را، چه مهارت‌هایش را، چه ایمانش را - که بالاترین نیروهاست - جسم و جاننش را وقتی به صحنه آورد، هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند بر عزم او، بر خواست او، بر همت او غلبه و سیطره پیدا کند، شکست می‌خورند؛ تا الآن هم شکست خورده‌اند، بعد از این هم شکست می‌خورند.

این حرف تکراری از دهن افتاده مهملی که راجع به ساخت سلاح اتمی به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند، نشان‌دهنده نهایت ناتوانی این‌ها حتی در زمینه تبلیغات است. جمهوری اسلامی هیچ اصراری هم ندارد که در دفاع خودش در این قضیه خیلی احساسات به خرج بدهد؛ نه ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن این‌گونه وسائل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده؛ ما دنبال این نمی‌رویم. ما دنبال آن چیزی می‌رویم که قدرت‌های سلطه‌گر حقیقتاً از آن باید بترسند و من اعتقاد این است الآن هم از همان می‌ترسند و آن، بیدار کردن روح حماسه و عزت اسلامی است در همه امت اسلام؛ ما این کار را خواهیم کرد؛ این را بدانند.

امت اسلامی را که اتفاقاً از لحاظ وضعیت جغرافیا در نقطه حساسی از دنیا هم قرار گرفته‌اند - هم از لحاظ سوق‌الجیشی، هم از لحاظ اقتصادی و منابع طبیعی - علی‌رغم میل خودشان، مورد استعمار قرار می‌دهند. ما رسالتمان این است، همتمان این است که به دنیای اسلام هشدار بدهیم؛ و این هشدار، مؤثر هم واقع شده؛ می‌بینید در جا به‌جا دنیای اسلام، نفرت از سلطه‌گران، از سیطره‌خواهان، به خصوص آمریکا، روزافزون است...

جمهوری اسلامی متکی به دل‌های میلیون‌ها انسان است. وقتی صدای واحدی از حنجره ده‌ها میلیون انسان با قدرت ادا می‌شود، این سخن قابل محو شدن نیست؛ امواج این سخن در دنیا باقی می‌ماند و ماندگار می‌شود. شوخی است؟ ده‌ها میلیون انسان با هم فریاد نفرت از استکبار، نفرت از نظام سلطه جهانی و پافشاری بر عزت ملی و ایمان اسلامی را سر می‌دهند، آن هم نه یک‌بار، نه دو بار؛ سی سال است که مردم دارند این فریاد را سر می‌دهند؛ این از بین‌رفتنی نیست؛ فریاد هماهنگ این همه حنجره و این همه دل، ماندنی است؛ این‌ها جزو قوانین حتمی طبیعت و تاریخ است؛ مثل قانون جاذبه است، مثل قوانین دیگر طبیعی است؛ لذا تخلف ندارد؛ این صدا ماندگار است. شرط این است که ما هر کدامی کار خودمان را درست انجام دهیم. من بارها این حدیث را از قول پیغمبر اکرم به مخاطبان گفته‌ام: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه»؛ رحمت خدا بر کسی که کار را انجام دهد و آن را محکم انجام دهد، درست انجام دهد، با اتقان انجام دهد. کار را باید با اتقان انجام داد... .

من می‌خواهم بر روی شناورهای زیرسطحی هم تأکید کنم؛ نیروی دریایی یکی از هدف‌ها و جهت‌گیری‌های کلی‌اش باید مسئله شناورهای زیرسطحی باشد. امروز اگر همان‌جور که قبلاً گفته‌ایم نیروی دریایی یک نیروی راهبردی است - که همین هم هست - و در دفاع از کشور جزو خطوط مسلّم حتمی است، باید با زیرسطحی‌ها منطقه را در دست بگیرید... .^۱

برای تحلیل این متن نخستین نکته‌ای که باید بدان توجه کنیم، این است که بیانات فوق در دیدار با دست‌اندرکاران ناوشکن جماران بیان شده است؛ ساخت این ناوشکن یکی از دستاوردهای بسیار مهم صنعت دفاعی کشور در بخش دریانوردی بود که رهبر معظم انقلاب همواره در چنین دیدارها و مناسبت‌های دیگر، بر اهمیت آن در افزایش قدرت و اقتدار ایران اسلامی تأکید داشته‌اند. از نظر استعاری نخستین نکته‌ای که در متن فوق جالب توجه است این است که رهبر معظم انقلاب به اهداف نظام در این زمینه به عنوان یک «راه» می‌نگرند: «...با توجه به بعضی از واقعیت‌های موجود، ممکن است بعضی از این خواسته‌ها دور از دسترس

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰.

به نظر بیاید؛ لیکن من می‌گویم وارد راه می‌شویم، قدم‌ها را یکی پس از دیگری برمی‌داریم و هرچه جلوتر برویم، رسیدن به نتیجه برآیمان آسان‌تر خواهد شد.

در واقع، گفته می‌شود که اهداف یا خواسته‌های ما در این بخش همانند چیزی است که در انتهای راهی دوردست وجود دارد و طبیعتاً برای رسیدن به آن باید این مسافت طولانی را بپیماییم که همین ممکن است باعث دلسردی و ناامیدی عده‌ای شود که در مقابل رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند باید وارد راه شد، قدم‌ها را یکی پس از دیگری برداشت تا به «خواسته» یا هدف مورد نظر رسید؛ و همان‌گونه که افتادن در یک راه و پیمودن مسیر آن موجب آشنایی با آن و سهل شدن پیمودن بقیه مسیر می‌شود، «وارد شدن» در مسیر دستیابی به «خواسته»‌های صنعت دفاعی کشور در بخش دریایی و قدم برداشتن در این مسیر، موجب می‌شود که بهتر بتوانیم قدم‌های بعدی را برداریم و به هدف برسیم. از آنچه گفته شد می‌توانیم به این نتیجه برسیم که از منظر رهبر معظم انقلاب «پیشرفت و رسیدن به خواسته‌ها یک راه یا مسیر است» که این نگرش استعاری به موضوع موجب شده است عناصر و مؤلفه‌های مربوط به «راه/مسیر» به عنوان حوزه مبدأ، به حوزه مقصد یعنی «خواسته‌ها» یا اهداف مربوط به بخش صنایع دفاعی دریایی کشور انتقال داده شود و سخن گفتن درباره آن‌ها را اثرگذارتر کند؛ با این هدف که به مخاطب گفته شود با آنکه این راه ممکن است دارای پست و بلندی و موانع زیادی باشد، اما با هر قدمی که در آن برداریم، پیمودن بقیه آن برای ما سهل‌تر می‌شود و ما با سرعت بیشتری می‌توانیم به هدف برسیم.

در همین ارتباط، باید به این نکته هم اشاره کنیم که «راه» در فرهنگ و ذهنیت انسان ایرانی دارای تداعی‌های خاص خود است و با مفاهیمی همچون «سختی»، «مانع»، «راهزن»، «دوری»، «درازی»، «حرکت جمعی»، «شیرینی رسیدن به مقصد» و... در هم آمیخته است؛ از این رو استفاده از آن به عنوان حوزه مبدأ یک استعاره، برای سخن گفتن درباره خواسته‌ها و دستاوردها، موجب گره خوردن موضوع و گزاره مورد نظر گوینده با تجربه‌های تاریخی و زندگی مخاطب می‌شود که همین در نهایت پیام گوینده را برای مخاطب کاملاً قابل فهم و قابل پذیرش می‌کند.

نکته دیگری که در متن بالا دیده می‌شود، استفاده از استعاره‌های جهتی است؛ برای مثال به‌خوبی دیده می‌شود که از نگاه رهبر معظم انقلاب جهت فضایی پایین در ارتباط با «زیر سلطه» بودن است: «... اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی اجازه نمی‌دهد که یک ملت این جور توانایی‌هایش سرکوب شود، استعدادهایش پامال شود؛ اجازه داده شود که به خاطر بی‌اعتنایی به توانایی ذاتی او، به حالت تخدیرشده بیفتد و دیگران بیایند بر سرنوشت او مسلط شوند؛ و به همین دلیل هم هست که ایشان در بیان این مفهوم از «بر» استفاده کرده‌اند که در زبان فارسی چه به عنوان حرف اضافه و چه به هنگامی که در ترکیب با فعل به کار برده می‌شود، به بالا بودن اشاره دارد.

به عبارت دیگر با توجه به بقیه گزاره‌های متن و موقعیت بیان آن، می‌توانیم بگوییم که از نظر مقام معظم رهبری گفتمان نظام جمهوری اسلامی ایران که گفتمان دفاعی نیز بخشی از آن است، مبتنی بر «اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی» است که اصولاً اجازه نمی‌دهد ملتی سرکوب شود و کسی بالای سر او قرار گیرد و بر او مسلط شود؛ در بخش‌های دیگر متن نیز «از زیر بار زور و سلطه و توهین دیگران» نرفتن سخن گفته می‌شود که باز سلطه‌پذیری با جهت فضایی پایین و نفی سلطه با جهت فضایی مخالف آن بیان شده است؛ و در جایی تأکید شده است که «اگر یک ملتی با احساس هویت، با اعتقاد به قدرت ذاتی خودش، نیروهایش را به صحنه آورد؛ ... هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند بر عزم او، برخواست او، بر همت او غلبه و سیطره پیدا کند؛ شکست می‌خورند».

در متن بالا همچنین استعاره زیبای دیگری وجود دارد و آن این است که برای «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» کشورهایی مثل ایران تا قبل از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، «یک سفره بی‌صاحب» بوده‌اند که آن‌ها عادت کرده بودند «هرچه می‌خواهند و می‌توانند، بردارند و بهره‌برداری کنند». در واقع در این استعاره که باز در ارتباط با ذهنیت و تجربه زیسته مخاطب ایرانی در ارتباط با مفاهیمی همچون «سفره»، «مال بی‌صاحب»، «خوردن»، «چپاول کردن» و... است به عنوان حوزه مبدأ انتخاب شده است و عناصر و مؤلفه‌های مفهومی آن به رویکرد «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» نسبت به کشورهایی مثل جمهوری اسلامی، به عنوان حوزه مقصد انتقال داده

شده است؛ تا برای مخاطب به‌خوبی مشخص شود که خوی چپاولگر این قدرت‌ها چه نگاهی به سرزمینی همچون ایران دارد و در واقع گفته شود همان‌گونه که انسان‌هایی به هنگام روبه‌رو شدن با «سفره بی‌صاحبی» هر آنچه که می‌خواهند از آن بدون اجازه از کسی و قائل شدن محدودیتی برای خود برمی‌دارند؛ «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» نیز عادت داشته‌اند که با سرزمین‌هایی مثل ما چنین کنند و حال که نمی‌توانند درباره ایران اسلامی این کار را انجام دهند، با آن دشمنی می‌ورزند.

استعاره اخیر به‌ویژه زمانی برای مخاطب قابل درک می‌شود که می‌بینیم رهبر معظم انقلاب از توصیف‌هایی همچون «زورگو» و «سیطره‌طلب» برای «مستکبرین و قدرت‌های» دشمن جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌اند که آن‌ها نیز در ذهنیت ایرانیان مفاهیمی ناپسند و برآمده از خوی ستمگری و ددمنشی هستند؛ علاوه بر این‌ها، در این استعاره نکته دقیق دیگری هم نهفته است و آن این است که گفته می‌شود «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» به غیر خود به عنوان «منبع» نگاه می‌کنند؛ منبعی که باید هرچه را که می‌خواهند از آن تأمین کنند، آن هم بی‌اجازه و هر طور که مایل هستند.

در ارتباط با استعاره‌ای که اخیراً درباره آن سخن گفتیم، در متن بالا «ملت پیکره زنده‌ای است» نیز استفاده شده است. زنده بودن قبل از هر چیز دیگری با حرکت کردن و کنشگری و هوشمندی در ارتباط است که در واقع برخی از مؤلفه‌های معنایی حوزه مبدأ این استعاره هستند (پیکره زنده) که به حوزه مقصد آن (ملت) انتقال داده شده است و همین این امکان را به گوینده داده است که از «بیدار» بودن «ملت» و «دست رد بر سینه» طرف مقابل سخن بگوید. مفاهیمی همچون «گناه»، «دل سپردن»، «حرکت» در راه اسلام و جمهوری اسلامی، «احساس هویت»، «توهین»، «شخصیت»، «آزمایش»، «نیرو»، «مهارت»، «ایمان»، «تجربه»، «عزم»، «همت» و... نیز از دیگر مفاهیمی هستند که بر اساس استعاره «ملت پیکره زنده است» به کار برده شده‌اند و موجب جاری شدن این استعاره در کلام گوینده و متن مبتنی بر آن شده‌اند؛ البته این استعاره خود در پیوند با استعاره دیگری است و آن این است که «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو و قدرت‌های سیطره‌طلب پیکره زنده‌ای است» که می‌تواند دارای «سینه» باشد، «خشمگین» شود و «توطئه» کند.

نکته‌ای که از چند استعاره درهم تنیده اخیر باید بدان اشاره کرد این است که گوینده متن مورد نظر، استعاره‌های مختلف را به صورت شبکه‌ای و مرتبط با هم به کار برده است که همین موجب تولید متنی منسجم و اثرگذار شده است که بخش زیادی از آن به خاطر پیوند دقیقی است که میان حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های به‌کاربرده شده دارد.

متن شماره ۲

حسینیه امام خمینی (رحمه‌الله) امروز (چهارشنبه) میزبان نمایشگاه دستاوردهای صنعت دفاعی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بود و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا بیش از دو ساعت از فناوری‌های پیشرفته، بومی و دانش‌بنیان که محصول تلاش، ابتکار و دانش محققان و متخصصان داخلی است و اثر مستقیمی بر افزایش توان رزمی نیروهای مسلح دارد، بازدید کردند.

در این نمایشگاه، دستاوردهایی در زمینه طراحی و ساخت انواع سامانه‌ها و تجهیزات پیشرفته «موشکی»، «راداری»، «دریایی»، «اپتیکی»، «زرهی»، «پهپاد» و «مراکز ارتباطاتی» به نمایش گذاشته شد...

رهبر انقلاب اسلامی سپس در جمع وزیر، مسئولان، محققان و متخصصان وزارت دفاع، افزایش توان «دفاعی و تهاجمی» را حق مسلم و قطعی کشور دانستند و با تأکید بر لزوم ادامه مسیر افزایش توان دفاعی گفتند: در دنیایی که قدرت‌های «زورگو، سلطه‌گر و دارای کمترین جوهره اخلاق، وجدان و انسانیت» حاکم هستند و از تجاوز به کشورها و کشتار انسان‌های بی‌گناه هیچ ابایی ندارند، توسعه صنایع دفاعی و تهاجمی کاملاً طبیعی است؛ زیرا این قدرت‌ها تا اقتدار کشور را احساس نکنند، امنیت تأمین نخواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بازدید از نمایشگاه دستاوردهای صنعت دفاعی را شیرین و خرسندکننده خواندند و افزودند: علت این خرسندی، علاوه بر دیدن توانایی‌های دفاعی که نقش بسزایی در افزایش سطح و ضریب اقتدار کشور دارد، مشاهده نیروهای عالم، محقق، پژوهشگر، اهل فکر و اقدام و با ایمان است که بسیار خوشحال‌کننده و لذت‌بخش است.

ایشان خاطرنشان کردند: وجود چنین نیروها و عناصری در مجموعه صنایع دفاعی کشور، همچون جواهری بسیار گران‌بها و غیرقابل قیمت‌گذاری است.

رهبر انقلاب اسلامی سپس در تبیین دلیل تأکید بر لزوم افزایش توان و گسترش صنایع دفاعی، خاطرنشان کردند: در شرایطی که قدرت‌های زورگوی دنیا، چتر قدرت خود را گسترانیده‌اند و هیچ رحمی در وجود آن‌ها به چشم نمی‌خورد و علناً مجلس عروسی و بیمارستان را به بهانه مبارزه با تروریسم بمباران می‌کنند و صدها انسان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند و به هیچ سازمان و نهادی هم پاسخگو نیستند، باید توان و قدرت دفاعی را افزایش داد تا قدرت‌های زورگو، احساس تهدید کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته ما برای گسترش صنایع دفاعی محدودیت‌هایی قائل هستیم و سلاح‌های کشتار جمعی همچون سلاح شیمیایی و سلاح هسته‌ای، بر اساس مبانی اعتقادی و دینی ممنوع هستند.

ایشان تأکید کردند: ممنوعیت سلاح شیمیایی در بخش تهاجمی است اما افزایش توان در بخش‌های دفاعی در برابر حمله شیمیایی اشکالی ندارد. رهبر انقلاب اسلامی گفتند: به غیر از این محدودیت‌ها، در بقیه زمینه‌ها هیچ محدودیتی برای افزایش توان دفاعی و نظامی وجود ندارد و پیشرفت در این عرصه‌ها یک وظیفه است. ...

فرمانده کل قوا در بخش دیگری از سخنان خود با قدردانی از وزارت دفاع و محققان و متخصصان سازمان‌های مختلف نیروهای مسلح، افزودند: یکی از عوامل برجسته در پیشرفت صنایع دفاعی کشور، ارتباط بخش دفاعی با دانشگاه و شرکت‌های دانش‌بنیان است.

... ایشان این پیشرفت‌ها را نتیجه حرکت عظیم علمی کشور در ۱۲ سال گذشته دانستند و تأکید کردند: جنبش نرم‌افزاری و حرکت علمی که اکنون به صورت «گفتمان عمومی» درآمده و دانشمندان جوان ما موفق به شکستن خطوط مرزی علم شده‌اند، باید با قدرت ادامه یابد؛ زیرا پیشرفت در هر عرصه‌ای، زمینه‌ساز پیشرفت‌های جدید در بخش‌های دیگر خواهد شد.

نخستین استعاره‌ای که در متن بالا مشخص شده، این است که نیروهای مؤمن و انقلابی و متخصص شاغل در صنایع دفاعی کشور، «جواهری بسیار گران‌بها و غیرقابل قیمت‌گذاری» هستند که این نشان از نوع نگاه رهبر معظم انقلاب به امر دفاع دارد.

در واقع همان‌گونه که برخی گوهرها آن‌قدر گران‌بها هستند که نمی‌توان برای آن‌ها قیمتی تعیین کرد، به باور رهبر معظم انقلاب، نیروهای متخصص شاغل در صنایع دفاعی کشور نیز جواهر گران‌بهایی هستند که امکان قیمت‌گذاری آن‌ها وجود ندارد؛ که این به دلیل کار خاص و منحصر به فردی است که آن‌ها در زمینه دفاع از ایران اسلامی بر دوش دارند؛ به عبارت دیگر به خاطر اهمیت خاص امر دفاع از کشور و نظام اسلامی، کار در این حوزه از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که متخصصان آن را تبدیل به گوهرهایی گران‌بها و غیرقابل قیمت‌گذاری می‌کند؛ و از این رو می‌توان گفت این استعاره خود مرتبط با این استعاره بنیادی‌تر است که «فعالیت در عرصه دفاع جواهری بسیار گران‌بها و غیرقابل قیمت‌گذاری» است.

دومین استعاره مشهود متن اخیر این است که «قدرت قدرت‌های زورگوی جهان چتری گسترده است». چتر گسترده، برخلاف چتر بسته که به‌طور معمول در گوشه‌ای رها شده است، دارای ویژگی‌هایی است که یکی از آن‌ها قرار گرفتن بر بالای یک یا چند نفر است تا از ریزش باران یا برف یا تابش نور و گرما بر سر آن‌ها جلوگیری کند. در واقع ویژگی استعاری بارز چتر فراگیری آن است که مانع رسیدن چیزی به فرد یا گروهی می‌شود و به عبارت دیگر هر چتری همین‌که بر سر فرد یا گروهی قرار گرفت او یا آن‌ها را در حوزه قلمرو یا سیطره فردی قرار می‌دهد که چتر را در دست دارد؛ در متن مورد نظر نیز رهبر معظم انقلاب از این استعاره استفاده کرده‌اند تا نشان دهند که قدرت‌های زورگوی جهان قدرت و سلطه خود را بر جهان گسترانیده‌اند و در تلاش هستند که هر کسی را به زیر چتر خود که در واقع همان خوی سلطه‌گری آن‌ها است درآورند. آشنایی مخاطبان رهبر معظم انقلاب با مفهوم «چتر» و کارکردهای این وسیله ساده، انتقال پیام از طریق ساخت استعاره‌ای بر گرد مفهوم چتر را تسهیل و اثرگذار می‌کند.

استعاره سوم متن اخیر «قدرت‌های زورگوی دنیا موجودات زنده هستند» همانند برخی از استعاره‌های مشابه دیگری هستند که در بالا آن‌ها را تحلیل کردیم؛ از این رو در اینجا نیازی به تحلیل مفصل آن نیست. فقط اشاره می‌کنیم که همان‌گونه که یک موجود زنده بی‌رحم (باید بدانیم که بی‌رحمی خود برآمده از سبعیت و درنده‌خویی است)، به عنوان حوزه مبدأ این استعاره، به موجودات دیگر رحم نمی‌کند و در چشم آن جز میل به دریدن و خون‌ریزی و

خوردن جاندار مقابل خود نیست، «قدرت‌های زورگوی دنیا» به عنوان حوزه مقصد این استعاره نیز جز به بی‌رحمی به بقیه جهان نظر نمی‌کنند؛ و از این رو عقلانیت حکم می‌کند که به آن‌ها نزدیک نشویم و خود را به لحاظ توان دفاعی در برابر آن‌ها توانمند و آماده نگه داریم. آخرین استعاره متن اخیر «پیشرفت در عرصه افزایش توان دفاعی و نظامی وظیفه است»، است که برآمده از مبانی اسلامی گفتمان و تفکر نظام اسلامی است. در واقع در اسلام «وظیفه» یا «تکلیف» امری است که شارع مقدس انجام آن را بر دوش هر فرد مسلمانی قرار داده است و آنچه که «وظیفه» یا «تکلیف» دینی باشد، انجامش با دیگر امور یا کارهایی که فرد ممکن است به انجام آن‌ها مبادرت کند متفاوت است و از اولویت و بایستگی خاص برخوردار خواهد بود؛ در اینجا نیز رهبر معظم انقلاب پیشرفت در عرصه افزایش توان دفاعی و نظامی کشور را نه به عنوان کاری معمول و حتی لازم که به عنوان «وظیفه‌ای» بیان فرموده‌اند که همین باعث می‌شود دست‌اندرکاران صنایع دفاعی کشور به کار و کوششی که می‌کنند به‌عنوان وظیفه و تکلیفی دینی بنگرند.

متن شماره ۳

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا ظهر امروز (یکشنبه) در دیدار فرماندهان و مسئولان قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، این قرارگاه را «خط مقدم دفاع از حیثیت و موجودیت کشور» خواندند و با اشاره به نقش بی‌بدیل نیروی انسانی در پیشرفت بخش‌های مختلف از جمله نیروهای مسلح، تأکید کردند: باید با کار و تلاش بی‌وقفه، استعداد‌های پرشمار نیروی انسانی را شکوفا کنید و آن را در خدمت رفع نیازها و کمبودهای کشور قرار دهید... .

ایشان، نسخه علاج‌بخش مشکلات کشور را به‌کار گرفتن و فعال کردن این توانایی‌ها و استعداد‌های جوشان خواندند و با تقدیر از هماهنگی ارتش و سپاه در قرارگاه پدافند هوایی و همچنین همکاری این قرارگاه با وزارت دفاع و دانشگاه‌ها و مراکز علمی در برطرف کردن

نیازها و کمبودها، افزودند: کار و تلاش را با آهنگی پرشتاب‌تر از قبل ادامه دهید و با ارائه طرح‌های نو و ابتکاری در جهت خودکفایی کشور، به پیش بروید.^۱

نخستین استعاره متن اخیر برآمده از این نگرش استعاری است که «قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خط مقدم دفاع از حیثیت و موجودیت کشور است»؛ این استعاره مبتنی بر مفاهیمی است که از حوزه‌های مفهومی «خط مقدم»، «حیثیت» و «موجودیت»، به‌عنوان حوزه مبدأ، به حوزه «قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء»، به‌عنوان حوزه مقصد، منتقل شده‌اند؛ به عبارت دیگر همان‌گونه که خط مقدم دارای شرایط خاصی از جمله لزوم آمادگی و هوشیاری کامل و همیشگی و رصد لحظه به لحظه تحركات دشمن و در صورت نیاز دادن پاسخ مقتضی و حتی کوبنده و بازدارنده به او است، به کار در قرارگاه مذکور نیز نباید به‌عنوان کاری معمول و روزمره نگریست؛ بلکه باید به مثابه حضور در خط مقدم به آن نظر کرد. پیداست زمانی که این خط مقدم مربوط به «حیثیت» و «موجودیت کشور» باشد، نگه داشتن آن و پاسداری از آن، از اهمیت به مراتب بالاتری برخوردار است. در واقع رهبر معظم انقلاب با گزینش هوشمندانه مفاهیم حوزه مبدأ استعاره مورد نظر، بر اهمیت تکالیف قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء تأکید گذارده‌اند و پیام خود را بر این مبنا روشن‌تر و اثرگذارتر بیان کرده‌اند؛ به‌ویژه اینکه مفاهیم «خط مقدم»، «حیثیت» و «موجودیت کشور» برای نظامیان و کسانی که لباس سربازی نظام و کشور را بر تن دارند، بسیار معنامندتر هستند.

استعاره دوم متن اخیر نیز اثرگذار و پیچیده است: «به کار گرفتن و فعال کردن توانایی‌ها و استعداد‌های نیروی انسانی نسخه علاج‌بخش مشکلات کشور است» که خود مرتبط با استعاره‌های «مشکلات بیماری هستند» و «کشور موجودی زنده است» می‌باشد؛ در واقع رهبر انقلاب با به‌کارگیری این استعاره چندلایه، به مخاطب خود به نحوی روشن و نافذ این پیام را می‌دهد که کشور و جامعه شما موجودی زنده و ذی‌حیات است و به مانند هر موجود زنده و ذی‌حیات دیگری ممکن است بیمار شود؛ این بیماری‌ها در شرایط کنونی مشکلاتی هستند که کشور با آن‌ها دست به‌گریبان است؛ در عین حال گوینده می‌گوید این بیماری قابل درمان

۱. دیدار فرماندهان قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) ارتش با فرمانده کل قوا، ۱۳۹۶/۶/۱۲

است و آن بهره‌گیری از استعدادها و توانایی‌های جوشان نیروی انسانی کشور به عنوان نسخه‌ی علاج و شفابخش آن است. استفاده از واژه‌های «نسخه» و «علاج» به خاطر پیوندی که با مفاهیم «بیماری» و «درمان» آن دارند، امکان حرکت راحت و سریع مخاطب از حوزه‌ی مبدأ به حوزه‌ی مقصد این استعاره را تسهیل کرده و بهره‌گیری از صفت «جوشان» درباره‌ی «توانایی‌ها و استعدادهای» نیروی انسانی کشور، به خاطر بار احساسی و برانگیزاننده‌ی این واژه، پیام مورد نظر گوینده را همدلانه کرده است.

متن شماره ۴

یکی از خصوصیات ارتش جمهوری اسلامی ایران، بصیرت انقلابی و دینی است؛ پایبندی دینی است، تعهد دینی است؛ این خیلی حرف بزرگی است؛ معنای تعهد دینی این است که ارتش به همه‌ی موازینی که اسلام برای نیروهای مسلح و برای فعالیت‌های نظامی مقرر کرده است، پایبند است. ارتش‌های دنیا آن‌وقتی که در یک عرصه‌ای احساس پیروزی می‌کنند، مهارگسیخته وارد میدان می‌شوند، کارهایی از آن‌ها سر می‌زند که شرم‌آور است و نمونه‌هایش را در جاهای مختلف دیده‌ایم....

ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، پایبند به تعهدات اسلامی‌اند؛ نه در پیروزی طغیان می‌کنند، نه در هنگام خطر دست به کارهای ممنوع و ابزارهای ممنوع می‌زنند. مدت‌های طولانی شهرهای ما - چه شهرهای مرزی و چه بعداً حتی تهران و اصفهان و بسیاری از شهرهای دیگر - زیر تهاجم وحشیانه و کور موشک‌های صدامی قرار داشت....

نیروهای مسلح بسیاری از کشورها - یا تا آنجایی که می‌شناسیم تقریباً همه‌ی کشورها - این تقیدات را ندارند؛ امروز نمونه‌اش را شما در یمن ملاحظه می‌کنید؛ چندی قبل در فلسطین دیدید، در غزه دیدید، در لبنان دیدید، در نقاط دیگر مشاهده کردید؛ این ملاحظات را نمی‌کنند، اما نیروی مسلح متعبد به قوانین اسلامی، این رعایت‌ها را می‌کند؛ ما اگر گفتیم - که گفته‌ایم - که از سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌کنیم، به خاطر همین تقیدات است؛ به خاطر همین

پایبندی به تعبد اسلامی و مقررات اسلامی و قوانین اسلامی است؛ این یکی از برترین خصوصیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است.

امروز دشمنان ما، جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند به دخالت در اینجا و آنجا که این خلاف واقع است؛ چنین چیزی وجود ندارد؛ ما در هیچ‌جا دخالت نمی‌کنیم. ما در آنجایی که مورد تهاجم قرار بگیریم البته دفاع می‌کنیم، دفاع جانانه، اما دخالت نمی‌کنیم. ما از کسانی و عواملی که به مردم بی‌دفاع حمله می‌کنند، به غیرنظامی‌ها حمله می‌کنند، کودکان را نابود می‌کنند، زنان را به قتل می‌رسانند، خانه‌ها را خراب می‌کنند، متنفریم، اعلام بیزاری می‌کنیم، اعلام برائت می‌کنیم؛ این‌ها از اسلام چیزی نفهمیده‌اند، از وجدان انسانی هم چیزی نفهمیده‌اند. خصوصیت نیروهای مسلح ما این است که به مبانی اسلام و قوانین الهی که در همه‌جا قانون الهی رایج است - حتی در جنگ، یا در صلح - پایبند است... .

یک خصوصیت دیگری که باید نیروهای مسلح ما به آن توجه داشته باشند، خوشبختانه توجه هم کرده‌اند و این کاملاً آشکار است، مسئله عمل به آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» است. معنای این آیه این است که غافلگیر نشوید؛ معنایش این است که اگر چنانچه دشمنی به شما حمله کرد، شما بر اثر کمبود امکانات، کمبود سلاح و مهمات، کمبود آمادگی، خسارت تحمل نکنید که خسارت شما خسارت ملت است، خسارت شما خسارت اسلام است... .

خوشبختانه نیروهای مسلح در بخش‌های مختلف، خودشان یا بالمباشره یا با برنامه‌ریزی و با استفاده از دستگاه‌های علمی و فناوری توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند و این کار باید ادامه پیدا کند. آنچه من تأکید می‌کنم این است که پیشرفت‌های کشور در زمینه‌های تسلیحاتی و در زمینه‌های آمادگی‌های رزمی باید همچنان طریق پیشرفت را ادامه بدهد؛ دشمنان ما این را نمی‌خواهند... .

نخیر، جمهوری اسلامی اولاً ثابت کرده است و نشان داده است که در دفاع از خود کاملاً مقتدرانه و در نهایت اقتدار عمل می‌کند؛ همه ملت مثل یک مشت مستحکم گرد هم می‌آیند و در مقابل متجاوز، در مقابل متعرض، در مقابل مهاجم غیرمنطقی می‌ایستند...^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران (به مناسبت روز ارتش جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۹۷/۱/۳۰.

در تحلیل برخی از نمونه‌های بالا اشاره کردیم که بسیاری از استعاره‌های شناختی موجود در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بر اساس آموزه‌های اسلامی و مفاهیم شرع مقدس اسلام شکل گرفته‌اند؛ یکی از بیاناتی که این موضوع به خوبی در آن جلوه‌گر است، همین بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران است که به مناسب روز ارتش انجام گرفته است.

در این بیانات، مبنای اسلامی گفتمان دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران به خوبی تبیین شده است و مفاهیم آن در سراسر متن بیانات فرماندهی معظم کل قوا نشر پیدا کرده است؛ از همین رو است که ایشان از «بصیرت انقلابی و دینی»، «پایبندی دینی»، «تعهد دینی»، «پایبند به تعهدات اسلامی»، «نیروی مسلح متعهد به قوانین»، «تقیدات اسلامی و دینی»، «پایبندی به تعهد اسلامی و مقررات اسلامی و قوانین اسلامی» و مفاهیم مشابه استفاده می‌کنند و عملکرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر آن‌ها معرفی می‌کنند.

به عبارت دیگر این مفاهیم مبدأ و نقطه عزیمت شکل‌گیری گزاره‌های استعاری محوری گفتمان دفاعی نظام اسلامی هستند که به انحاء مختلف در بیاناتی که رهبر معظم انقلاب درباره عملکرد و خط‌مشی نیروهای مسلح دارند جاری و متجلی می‌شود؛ و در موارد زیادی هم از جمله متن بالا مورد تأکید قرار می‌گیرند: «خصوصیت نیروهای مسلح ما این است که به مبانی اسلام و قوانین الهی که در همه‌جا قانون الهی رایج است - حتی در جنگ، یا در صلح - پایبند است.» در موارد زیادی هم ایشان کلام خویش را به آیات کلام‌الله مجید مستند می‌کنند که نمونه بارز آن را در متن بالا با کاربرد آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» می‌بینیم؛ کاربرد این آیات شریفه گذشته از آنکه کلام را مستند به دستور الهی می‌کند، آن را اثرگذار و غیرشخصی می‌کند.^۱

اما در متن اخیر، افزون بر سرشت استعاری مبتنی بر دستورهای اسلامی متن، در دو مورد دیگر نیز مقام معظم رهبری از استعاره بهره برده‌اند: یکی آنجا که «پیشرفت‌های کشور در

۱. یکی دیگر از بیانات مقام معظم رهبری که در آن بر اهمیت ایمان و اعتقاد دینی در امر دفاع تأکید فرموده‌اند، بیانات ایشان در دانشکده علوم دریایی نوشهر در ۱۳۸۸/۷/۱۴ است.

زمینه‌های تسلیحاتی و در زمینه‌های آمادگی‌های رزمی» را به مثابه «طریق» معرفی می‌کنند؛ و یکی آنجا که به «ملت» در مقام دفاع از خود و دفع تجاوز اجنبی به مثابه «مشت مستحکم» می‌نگرند. در واقع در این دو مورد مفاهیم مربوط به «طریق» یا «راه» از یک طرف و مفاهیم مربوط به «مشت مستحکم» به دو حوزه «پیشرفت در زمینه‌های تسلیحاتی و آمادگی‌های رزمی» و «دفاع از خود» انتقال یافته‌اند و کلام را استعاری کرده‌اند؛ چراکه مخاطب ایرانی از طریق یا راه تصویری دارد که مهم‌ترین آن این است که اگر می‌خواهی به مقصد بررسی باید آن را بیمایی؛ و از مشت مستحکم هم مفاهیمی همچون گره‌کردگی و اقتدار و آمادگی برای رزم در ذهن مخاطب ایرانی شکل می‌گیرد.

متن شماره ۵

اهمیتی که برای نیروهای مسلح و کسانی که در این کسوت انجام وظیفه می‌کنند و به کشور خود و ملت خود خدمت می‌کنند و اهمیتی که برای این مجموعه قائلیم، اولاً از این جهت است که مجموعه نیروهای مسلح، برترین عامل در حفظ امنیت کشورند. نیروهای مسلح به گفته امیر مؤمنان دژ ملت، باروی ملت، حصن و حصار مستحکم مردم سرزمین‌های خود هستند و امنیت را این‌ها تأمین می‌کنند....

دومین دلیل این است که نیروهای مسلح در راه این انجام وظیفه، هزینه‌ای را آماده شده‌اند پردازند که با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست. نیروهای مسلح، جان خود را به این میدان آورده‌اند. نظامی مدافع از امنیت کشور - چه ارتشی و چه سپاهی و چه دیگر بخش‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی - برای اینکه امنیت را حفظ کنند، جان خود را به میدان آورده‌اند؛ این، چیز بزرگی است. علت اینکه شهیدان عزیز ما هرگز از یاد ملت نمی‌روند، این است که این سرمایه را فدا کردند؛ اهل دنیا نه فقط از جان، از خواسته‌های حقیر هم نمی‌گذرند؛ مردان حق، سلحشوران، مدافعان ارزش‌های معنوی، حاضرند جان خود را کف دست بگیرند و در این میدان قدم بگذارند.

عزیزان من! جوانان برومند دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران! شما یکی از پایه‌های مستحکم اقتدار این کشور محسوب می‌شوید. هر ملتی حق دارد و وظیفه دارد که در

اقتدار خود بکوشد. ملت‌ها اگر خود را به مرحلهٔ اقتدار نرسانند، در کشاکش درگیری‌های جهانی و قدرت‌طلبی‌ها لگدمال خواهند شد. آن ملتی که به ضعف خو کند، ضعف را برای خود عیب بزرگ نشمارد؛ آن ملت شایستهٔ سربلندی و عزت نیست. قدرت‌ها، چکمه‌پوشان عالم، سرنیزه‌داران مستبد و دیکتاتور بین‌المللی، به چنین ملتی رحم نخواهند کرد. ملت‌ها وظیفه دارند خود را مقتدر کنند.^۱

در متن بالا چند استعارهٔ شناختی مشخص وجود دارد:

«نیروهای مسلح به گفتهٔ امیر مؤمنان دژ ملت، باروی ملت، حصن و حصار مستحکم مردم سرزمین‌های خود هستند» (مستند به کلام حضرت علی علیه‌السلام)؛ در واقع در این استعاره مفاهیم مربوط به «دژ»، «بارو» و «حصار» که همگی برای ذهنیت و تصور تاریخی ایرانیان آشنا هستند و تصوراتی همچون مستحکم بودن، نفوذناپذیری، ستر بودن و پایداری را در ذهن زنده می‌کنند؛ به حوزهٔ مقصد این استعاره یعنی «نیروهای مسلح» کشور انتقال داده می‌شوند؛ به عبارت دیگر نیروهای مسلح یک کشور باید به مانند یک دژ/ بارو/ حصار مستحکم، نفوذناپذیر، ستر و پایدار باشند و در برابر تجاوزات اجانب و کسانی که چشم طمع به آن دژ/ بارو/ حصار و مردمانش را دارند، بایستند.

«کار نیروهای مسلح در میدان بودن است»؛ میدان نیز در تصور جمعی ایرانی و حتی انسانی با مفاهیمی همچون «رزم» و «جنگ» و حتی در معرض دید دیگران قرار داشتن گره خورده است؛ از این رو وقتی که کار و عملکرد کسانی به مثابه قرار داشتن در میدان است، از آن افراد انتظار می‌رود که همواره آمادهٔ رزم باشند و بدانند که عملکرد آن‌ها در معرض دید دیگران است و همه آن را می‌بینند.

«اقتدار یک ملت بنای مستحکمی است»؛ در این استعاره گفته می‌شود که اگر ملتی مقتدر باشد یا به عبارت دیگر نیروهای مسلح مقتدری داشته باشد که گویی که خود بنای مستحکم و استواری است که هیچ دشمنی قدرت نفوذ به آن، ضربه زدن به آن را نخواهد داشت.

۱. بیانات در دانشکدهٔ علوم دریایی نوشهر، ۱۴/۷/۱۳۸۸.

«چکمه‌پوشان عالم» و «سرنیزه‌داران مستبد و دیکتاتور بین‌المللی» هم ترکیب‌های استعاری دیگر این متن هستند که دربارهٔ قدرت‌های استکباری جهانی به کار برده شده‌اند. از آنجا که «چکمه» و «سرنیزه» با مفاهیمی همچون زورگویی و ستم در ذهن مخاطب ایرانی گره خورده‌اند، کاربرد آن‌ها دربارهٔ قدرت‌های استکباری جهان ماهیت عملکرد آن‌ها را به‌خوبی برای مخاطب روشن می‌کند.

در ادامه با مبنا قرار دادن سؤالات اصلی و فرضیه‌های تحقیق نتایج آن را بیان می‌کنیم.

نتیجه‌گیری

سؤال اول تحقیق به این صورت بیان شد: «استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبری معظم انقلاب چگونه هستند؟»

در ارتباط با این سؤال پاسخ زیر مطرح شد: بررسی و تحلیل داده‌های تحقیق که مستخرج از تعدادی از بیانات رهبر معظم انقلاب در امور دفاعی یا جمع دست‌اندرکاران امور دفاعی کشور یا مردم هستند، نشان داد که انواع استعاره‌های شناختی در کلام رهبر معظم انقلاب در زمینه‌های دفاعی متجلی شده‌اند؛ این استعاره‌ها به نحوی منسجم و اندام‌وار در متن جاری شده‌اند و به روشنی می‌توان حوزهٔ مبدأ و مقصد آن‌ها را در متن مشخص کرد؛ لذا فرضیهٔ اول تحقیق مبنی بر وجود استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب تأیید می‌شود. لازم است این نکته را یادآوری کنیم که بر اساس اصول و مبانی زبان‌شناسی شناختی، کاربرد استعاره یکی از مشخصات اصلی زبان انسان - چه در گفتار و چه در نوشتار - است؛ لذا استفاده از انواع استعاره‌ها در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب نیز دور از انتظار نبوده است؛ و همان‌طور که دیدیم و در بررسی سؤالات و فرضیه‌های دیگر تحقیق نیز خواهیم دید، این استعاره‌ها با هدف تأکید بر مبانی و جنبه‌های خاصی از گفتمان دفاعی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی است، به کار برده شده‌اند.

سؤال دوم تحقیق به شرح زیر است:

«کدام نوع از استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر انقلاب بیشتر دیده می‌شوند؟»

در ارتباط با سؤال دوم تحقیق، فرضیهٔ زیر بیان شده است:

«با توجه به گفتمان ارزشی نظام جمهوری اسلامی، انتظار می‌رود که استعاره‌های ساختاری و وجودی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بیشتر به کار رفته باشند».

بررسی و تحلیل داده‌ها، به خوبی نشان داد که انتخاب دقیق مفاهیم از یک حوزه مبدأ و انتقال آن به حوزه مقصد استعاره، از مشخصات بارز کلام رهبری در متن‌های بررسی شده است؛ برای مثال دیدیم که مفاهیم مربوط به «راه» به عنوان حوزه مبدأ به «اهداف» به عنوان حوزه مقصد انتقال داده شده است؛ لذا می‌توانیم بگوییم که استعاره‌های ساختاری در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب - و احتمالاً گفتمان ایشان در زمینه‌های دیگر - کاربرد زیاد و مشخصی دارد.

همچنین دیدیم که در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب به مفاهیمی همچون «استکبار» و «ملت» به مثابه پیکره زنده‌ای نگریسته می‌شود که دارای رفتارهای مشخصی هستند؛ در اینجا نیز دو حوزه مبدأ و مقصد استعاره و حرکت از یکی به دیگری - به عبارت دیگر، انتقال مفاهیمی اولی به دومی - کاملاً مشخص است که همین باعث شکل‌گیری مجموعه‌ای از استعاره‌های اثرگذار در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب شده است؛ لذا بر اساس این تحلیل‌ها می‌توان گفت که بخش دوم فرضیه مربوط به سؤال دوم تحقیق مبنی بر وجود بیشتر استعاره‌های ساختاری و وجودی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب نیز تأیید می‌شود.

سؤال سوم تحقیق به صورت زیر تنظیم شده است:

«چه تبیینی می‌توان برای استعاره‌های شناختی به‌کاربرده شده در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب به دست داد؟»

در ارتباط با این سؤال فرضیه زیر بیان شده است:

«با توجه به تفاوتی که میان معنای گزاره‌ای و کاربردشناختی در زبان وجود دارد، کاربرد استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب، با هدف تأکید بر سویه‌های خاصی از معنی است.»

در تحلیل استعاره‌های موجود در کلام رهبر معظم انقلاب درباره‌ی امور دفاعی، دیدیم که مبنای این استعاره‌ها در بسیاری از موارد مفاهیم مرتبط با سنن و فرهنگ بومی و مفاهیم برآمده از اصول و ارزش‌های اسلامی هستند.

برای مثال دیدیم که رهبر معظم انقلاب مفاهیم «سفره» و «بی‌صاحب» را مبنای ساخت استعاره‌ای قرار داده‌اند تا بتوانند رویکرد «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» نسبت به کشورهایی همچون ایران را برای مخاطبان خود به صورت شفاف و روشن بیان کنند.

همچنین در موارد زیادی دیدیم که مبنای استعاره‌های به‌کاربرده شده در کلام رهبر معظم انقلاب مفاهیم اسلامی همچون «تکلیف»، «وظیفه»، «تعهد»، «تعبد» و «تقید» هستند؛ علاوه بر این کار در حوزه دفاعی کشور در کلام رهبر معظم انقلاب در موارد بارز و مشخصی مستند به آیات قرآنی است.

لذا با توجه به این موارد می‌توانیم بگوییم که تحلیل داده‌های تحقیق، فرضیه سوم آن را نیز تأیید می‌کند؛ به این دلیل که استعاره‌هایی که در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب، بر مبنای مفاهیم مرتبط با سنن و فرهنگ بومی و اصول و ارزش‌های اسلامی به کار برده شده‌اند، با هدف تأکید بر خطیر و خاص بودن کار در این زمینه استفاده شده‌اند و در واقع این استعاره‌ها در کل «دفاع» در جامعه اسلامی را به مثابه «تکلیفی» مهم برجسته می‌کنند.

در واقع با توجه به تبحر و دقت رهبر معظم انقلاب در کاربرد زبان فارسی، بررسی استعاره‌هایی که ایشان در صحبت از موضوعات مهم به کار می‌برند، هم می‌تواند قابلیت‌های زبان فارسی در این زمینه را نشان دهد، هم می‌تواند الگویی باشد برای استفاده درست و به‌موقع از این امکان زبانی برای انتقال معنی و تأکید بر بخش‌های مشخصی از آن.

منابع

فارسی

۱. ارسطو (۱۳۳۷)، هنر شاعری، بوطیقا، ترجمه و مقدمه و حواشی از فتح‌الله مجتبیایی، تهران: بنگاه نشر اندیشه.
۲. پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۳)، بررسی استعاره‌های کلامی - تصویری در چند پوستر مناسبتی زبان فارسی، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، شماره ۱۱.
۳. رادویانی، محمدین عمر (۱۹۴۹)، ترجمان البلاغه، به اهتمام و تصحیح و حواشی و توضیحات احمد آتش، استانبول: چاپخانه ابراهیم خروس.
۴. رجایی، محمد خلیل (۱۳۵۹)، معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، شیراز: سازمان چاپ دانشگاه شیراز.
۵. دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳)، زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی (ویراست دوم)، تهران: سمت.
۶. جرجانی (۱۳۷۴)، اسرارالبلاغه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. صفوی، کورش (۱۳۷۷)، «زبان» در زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح (ترجمه)، تهران: هرمس.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۳۳)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: نشر صدرا.
۹. فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: انتشارات سخن.
۱۰. فرشید ورد، خسرو (۱۳۴۹)، نقد شعر فارسی، تشبیه و استعاره در زبان فارسی، تهران: انتشارات وحید.
۱۱. هاشمی، زهره (۱۳۸۹)، استعاره‌های مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون، مجله ادب پژوهی، شماره ۱۲.
۱۲. هاوکس، ترنس (۱۳۸۰)، استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.

انگلیسی

1. Beardsly, M.P. (1967) 'Metaphor', in P. Edwards (ed.), Encyclopedia of philosophy, vol. 5, New York: Macmillan, pp. 284- 289.
2. Bonebakker (1978) 'ISTICARA', in Encyclopedia of Islam, pp. 248-252.
3. Culler, J. (2001) The Pursuit of Signs, London: Routledge.
4. Davidson, D. (1980) 'What Metaphors Mean', in P. Platts (ed.), Reference, Truth and Reality, London: Routledge and Kegan Paul, pp. 238-254.
5. Deignan, A (2008), Corpus Linguistics and Metaphor, The Cambridge Handbook of Metaphor and Thought, Cambridge University Press.
6. Goatly, A. (1997) The Language of Metaphors, London: Routledge.
7. Henle, P. (1972) 'Metaphor', in P. Henle (ed.), Metaphor in Language, Thought + culture, U. S. A: The University of Michigan, pp. 173- 195.
8. Jakobson, R./ Halle M. (1956) Fundamentals of Language, Netherlands: Mouton and Co's- Gravenhage.

9. Kavecses, Z(2010), *Metaphor: A Practical Introduction*, 2nd, Edition, Oxford University Press.
10. Kofman, S. (1996) *Nietzsche and Metaphor*, translated by Duncan Large, London: The Athlone Press.
11. Lakoff, G., and Johnson, M. (1980 a) *Metaphors We Live By*, Chicago: University of Chicago Press.
12. Lakoff, G., and Johnson, M. (1980 b), 'Conceptual Metaphor in Everyday Language', in *The Journal of Philosophy*, vol. LXXVII, No. 8, p
13. Lakoff, G., and Johnson, M. (1993) 'The contemporary Theory of Metaphor', in A. Ortony (ed.),
14. Langacher, R. (1994) 'Cognitive Grammar', in R. E. Asher (ed.), *The Encyclopedia of Language and Linguistics*, Oxford: Pergamon Press, p. 590- 591.
15. Maalej, Z. (1999) 'Metaphor Making and Processing', in *Journal of Literary semantics*.
16. Malmkjaer, K. (1991) 'Metaphor', in *The Linguistics Encyclopedia*, London: Routledge, pp. 306- 312.
17. Meisami, JS. (1998) 'ESTEcARA', in E. Yarshater (ed.), *Encyclopedia Iranica*, vol. VIII, Costa Mesa: Mazda publishers, pp. 649- 651.
18. *Metaphor and Thought*, 2nd edition, Cambridge: Cambridge University Press, pp.202-52.
19. Ortony, A (1976) 'Metahor a Multidimensional problem', in A. Ortony, *Metaphor and Thought*, Cambridge: Cambridge University Press.
20. Steen, G.J (1994). *Understanding Metaphor in Literature: an Emprical Approach*. London: Longman.